

میدون و سوفیا

استراتژی بندری!



پوریا عالمی

● زنگ زدم به سوفیا و گفتم: سوفیا... عشقم... نانمان توی روغن است. خیالت راحت که وضعمان توپ شد. از فردا می‌تونیم حالت ازدواج داشته باشیم و برویم دنبال زندگی‌ما. سوفیا گفت: آخ جان! اختلاس مختلاس کردی؟ گفتم: نه.

گفت: رانت‌مانت گیرت آمده؟ گفتم: نه. گفت: بیکهو آقا زاده‌ما زده شدی و می‌خواهی بزنی توی کار واردات؟ گفتم: نه. گفت: داداش ماداشنت مسئولی، چیزی شده است؟ گفتم: نه. گفتم: رفتی الکی گفتی می‌تونایی جای تلگرام، پیام‌رسان راه بیندازی و وام میلیاردی دادند بهت که جاق‌وجله شوی؟ گفتم: نه. گفت: رفتی پروژه گرفتی که به اوج برسی؟ گفتم:

نه.

گفت: نکند الکی رفتی گفتی محمدرضا گلزار و بهرام رادانی و آنها هم گول خوردند و با تو قرارداد سینمایی بستند؟ گفتم: نه. گفت: نسوی این هیروویری رفتنی مربی تیم ملی شدی و پول‌وپله؟ گفتم: نه. سوفیا گفت: ای درد بگیر، پس غلطی کردی که می‌گویی پولدار شدی؟ گفتم: دیروز دولت اعلام کرده: «برای هر جوان ایرانی در بودجه ۹۸ – در حوزه ورزش و جوانان – مبلغ شش هزار تومان سرانه اختصاص داده شده است».

سوفیا گفت: ای خاک بر سر تو و عشق و چشم‌انداز آینده‌ات کنند. با شش هزار تومان سرانه که ساندویچ فری‌کنیف که هیچی، حتی نان و پنیر هم بهت نمی‌ماسد. گفتم: سوفیا... تو قدر‌نشناس و تنگ‌نظری. وقتی میلیاردمیلیارد بودجه خرج اتینا می‌شود، همین شش هزار تومان هم به من جوان ایرانی اختصاص پیدا کرده باید نه‌تنها کلامه را بیندازم هوا که...

سوفیا گفت: آخر ای میدون دوم! ای عاشق بدبخت من! با ششش هزار تومان یک بندری هم نمی‌تونایی برای من تهیه کنی. گفتم: سوفیا! با این وضع مملکت استراتژی من استراتژی بندری است! شاید با ششش هزار تومان نتوانم برات بندری ردیف کنم، ولی می‌تونام بندری برق‌صم برات... آ... آ... بیا وسط. در این لحظه صدای هق‌هق گریه از پشت تلفن آمد و سوفیا هق‌هق‌کنان گفت: میدون دوم! میدون دوم! وقتی سیاستمداران دوران من این اساتید هستند، چرا نباید تو عاشق من باشی؟!

پرنده آبی

چهلمین سالگردانقلاب

● بعد از توییت بی‌ادبانه پیمپو درباره انقلاب به نظر می‌رسد بسیاری احساساتشان جریحه‌دار شده است و به مقابله با آن پرداخته‌اند. درواقع با آغاز دهه فجر و جشن چهلمین سالگرد انقلاب در رسانه‌های اجتماعی افراد از دریچه‌های مختلف به یادآوری لحظات خاطره‌انگیز و پرشور این سال‌ها پرداخته‌اند. اما هشتک #چهل‌سال‌سازندگی هشتکی است که در مقابله با این توییت و دیگر توییت‌های افراد برانداز و سلطنت‌طلب توانسته است در صدر قرار گیرد. در این هشتک مجموعه‌ای از اقداماتی که به مناسبت چهلمین فجر انقلاب اسلامی عملیات اجرایی‌شان آغاز شده است، مطرح می‌شود. از جمله بزرگ‌ترین طرح خدمت‌رسانی با محوریت سازمان بسیج مستضعفین که در قالب ۴۰ هزار پروژه عمرانی زودبازده در سراسر کشور آغاز می‌شود. در این میان از برخی اتفاق‌های مهم این سال‌ها نیز یاد شده است مثل کسب ۱۸۳ مدل طلا توسط دانش‌آموزان ایرانی در المپιάدهای جهانی با کاهش آمار مرگ نوزادان زیر یک ماه که قبل از انقلاب ۸۰ تا صد در هزار بوده و اکنون به ۹.۵ در هزار رسیده است.

همچنین برخی نیز به بیان خاطرات کودکی خود در ایام جشن انقلاب و برگزاری تاتارها و تزیین کلاس‌ها و به ماجرای حضور در ایام راهپیمایی‌ها و شعارگوینی‌های شبانه پدر و مادراهیشان اشاره می‌کردند. همچنین فیلمی از امام خمینی در بهشت زهرا که با تسلیت‌گویی به مادران فرزند از دست‌داده، پدرهای جوان‌داده و جوانان و کودکان پدر و مادر از دست‌داده سخنانش را آغاز می‌کند نیز مورد استقبال قرار گرفته بود. امام خمینی این سؤال را مطرح کرد که مگر این ملت چه می‌گفت و چه می‌گوید که از وقتی صدایش درآمد مورد قتل، غارت و عقوبت قرار گرفت. امسال در تفاوتی آشکار با سال‌های قبل بهشت پرشگری به‌شدت به چشم می‌خورد. اینکه چگونه و در چه موقعیتی انقلاب شکل گرفت، اینکه تصور مردم از انقلاب و آرمان و آرزوهایی که داشتند چه بود و اکنون بعد از ۴۰ سال چقدر به آنها رسیده‌اند، اینکه وظیفه مسئولان عالی‌رتبه در پاسخ‌گویی به سؤال‌های مردم چیست، از سؤالاتی است که باید پاسخ‌دهندگان مجموعه اظهارنظرها مطرح می‌شود. هرچند بسیاری با انتشار گوشه‌هایی از خاطرات اسدالله علم و شاپور بختیار سعی کردند واقعیت‌هایی را که امسال در زیر غبار اکنان‌های فیک مخفی شده است کشف کنند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

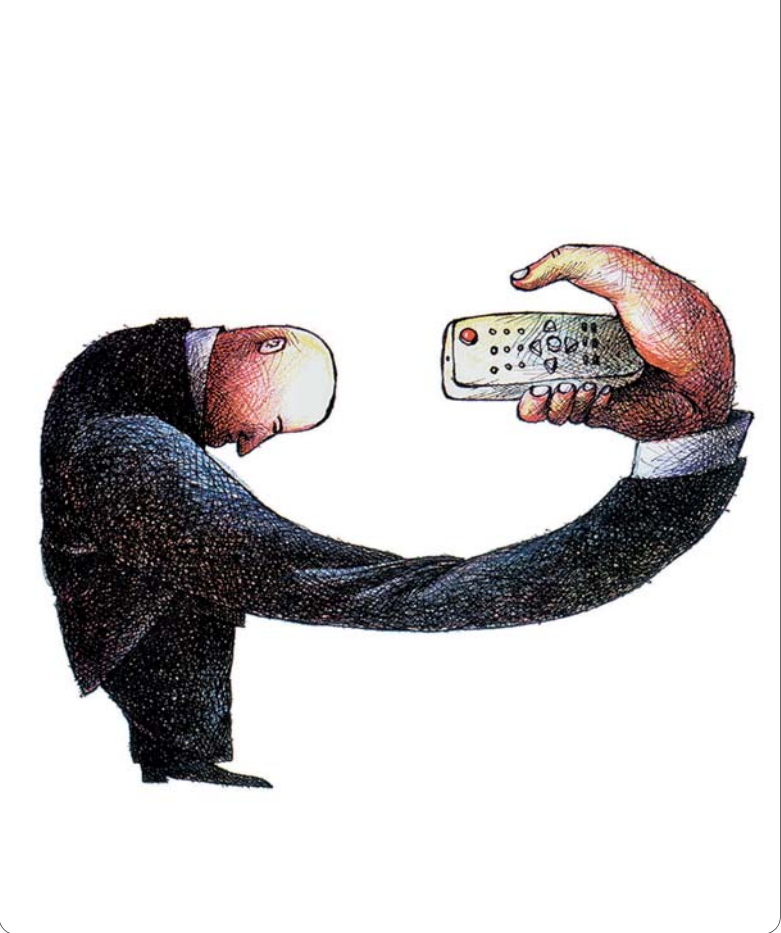
دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۷ • ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ • ۴ فوریه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۶۰ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۳ • اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کار تون خواب

آرستیدز هرناندز



منظومه خاموش – آخرین قسمت

آخر قصه

وقتی به خانه برگشتم، اتفاق غم‌انگیزی افتاد. صاحبخانه ما، خانواده عزیز زندوکیلی، دامادشان، یعنی آقامجید نعیمی‌پور (برادر مهندس محمد نعیمی‌پور) درست هم‌زمان با من به جبهه رفته بود. اما او در کربلای چهار مفقود و شاید هم شهید شده باشد و هنوز خبر موتقی از ایشان در دست نیست. همسرم زهره که می‌دید داماد طبقه بالایی احتمالا شهید یا مفقود شده، اما همسر خودش، یعنی شخص بنده با مختصر جراحتی از جبهه برگشته، خجالت می‌کشید خبر برگشتن مرا به خانواده زندوکیلی بگوید!

این روزها پدر خانواده، آقای زندوکیلی که نوه‌اش او را با پاتای صدا می‌زند، عصرها در انتظار خبری از دامادش توی حیاط، کنار باغچه می‌نشیند و اشک می‌ریزد. همین احساس شرمندگی در برابر خانواده شهید محمود ساعتچی در من هست. دوست دارم نشانی من‌لرش را پیدا کنم و به دست‌پوسیی خانواده‌اش بروم، اما خجالت می‌کشم که بگویم نوجوان دلوار شما جلوی چشم من شهید شد و من نتوانستم کاری برایش انجام دهم. حالا او شهید و سربلند برگشته و من چه کسی هستم؟ شاهد و سرافکنده و سرگشته. از خودم می‌پرسم: نقش تو در این حماسه چه بود؟ و خداوکیلی به خودم پاسخ می‌دهم که اگر خیلی خودت را آدم حساب کنی، به روابیان واقعه عاشورا شباهت داری که خود در آن حماسه شرکت نکردند و شاید فقط زبانی گرم داشتند. تو به بیان امروزی، خبرنگاری جنگی بودی و نه بیشتر. اول کار، نقش امدادگر عملیاتی را به تو سپردند تا شاید بر گوشه‌ای از زخم‌های بچه‌های بی‌نام‌ونشان و مظلوم این مرزوبوم مرمه بگذاری، اما سرانجام، آن نوجوان‌ها و پیرمردها بودند که جان تو را نجات دادند و زخم‌ت را مرهم شدند. قرار بود آتجا سرباز باشی، اما سرباز شدی و این بهدکاری تا همیشه در دفتر اعمال‌ت ثبت خواهد شد.

■ ■ ■

تنها چیزی که برایم خاطره دارد، گیجی و تلخی خاصی بود که تمام وجودم را گرفته بود؛ اعصاب خرد، یادآوری صحنه‌های هولناک جبهه و تجسم عینی جنگ تن با تانک و آدم با ماشین. آنچه خیلی برایم ناراحت‌کننده بود، برخورد عادی پشت جبهه‌ای‌ها با عملیات بود. حق هم داشتند. تلویزیون آن‌قدر راحت و بی‌غدغه از پیشروی رزمندگان می‌گفت که هرکس نمی‌دانست خیال می‌کرد بچه‌ها در یک پیاده‌روی تفریحی و در حال شکستن تخمه و خوردن بستنی عملیات کرده‌اند تا یک وجب خاک را نگه دارند.

مهدی نوروز: انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در نشستی با حضور اصحاب رسانه یازدهمین سالروز درگذشت «احمد بورقانی» را گرامی داشت. مردی که به باور اکثریت دست‌انکاران مطبوعات گامی بزرگ در تحول رابطه میان دولت و مطبوعات برداشت. در این مراسم همچنین پنل تخصصی نسبت دولت و مطبوعات برگزار و در پایان مراسم نیز از علیرضا رجایی تقدیر شد. در این پنل تخصصی احمد مسجدجامعی، بهروز گرانپایه، محمد مهاجری، نسرين تخیری، علی حکمت، عبدالعلی رضایی و کامبیز نوروزی سخن گفتند. احمد مسجدجامعی به ویژگی‌های شخصیتی احمد بورقانی پرداخت و با اشاره به مشی دولت اصلاحات که توجه به جامعه مدنی بود، گفت: «احمد نماینده مطبوعات در دولت بود. او از ظرفیت دولت برای مطبوعات بهره گرفت و می‌دانست نقش و نمایندگی مطبوعات در فضای جامعه مدنی با بخش‌نامه و اطلاعیه میسر نمی‌شود. احمد را به یقاری، تجربه رسانه‌ای، سواد و...

می‌شناسند اما او ویژگی دیگری داشت که تدبیر و سعه صدر او بوده. وزیر فرهنگ دولت اصلاحات در ادامه صحبت‌های خود به فقر فرهنگ گفت‌وگو در این روزها پرداخت و با اشاره به نقش انجمن در احیای فضای گفت‌وگو، خاطره‌ای نقل کرد: «به منظور صدور مجوز برای مطبوعات، به‌ویژه روزنامه‌ها، قواعدی وجود داشت از جمله استعلام از مراجعی همچون اطلاعات، ثبت و پلیس. معمولاً دستگاه‌های ذی‌ربط اگر مایل نبودند در کسی مجوز بگیرد، روی پرونده اعمال نظر نمی‌کردند در نتیجه پرونده ناقص می‌ماند و امکان صدور مجوز نبود. ما به همراه آقای بورقانی برنامه‌ای را طراحی کردیم و با نماینده‌های دستگاه‌ها گفت‌وگو شد، گفت‌وگوهایی که چندین جلسه طول کشید. البته افراد زیادی در جریان این

گفت‌وگوها نبودند زیرا در این صورت رسانه‌ای می‌شد و یک طرف احساس می‌کرد که کم آورده است. تلاش ما این بود که هر دو طرف احساس کنند برنده هستند. ویژگی احمد بورقانی این بود که دستگاه‌های اجرایی را متقاعد و زمینه گفت‌وگو را فراهم می‌کرد. این ویژگی را حتی در شرایطی که برای یک نشریه یا یک خبرنگار مشکل به وجود می‌آمد نیز نشان می‌داد».

مطبوعات به نفع نظام و جامعه هستند

علی حکمت سردبیر روزنامه خرداد با اشاره به شعارهای دولت اصلاحات سخنانش را آغاز کرد و در ادامه با اشاره به نقش مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی گفت: «مطبوعات رشید به نفع مجموعه نظام و جامعه هستند، آزادی‌های سیاسی نیز به همین صورت اما متأسفانه آن فرصت را از دست دادیم». بهروز گرانپایه گفت: «وقتی دولت می‌گوید مطبوعات آزاد نیستند، یعنی خودش قدرتی ندارد تا این وضعیت را اصلاح کند؛ با اینکه خودش نیز مطبوعات را دولتی می‌خواهد پس یعنی خودش آزادی عمل ندارد». عبدالعلی رضایی با برشمردن دستاوردهای دوره معاونت مطبوعاتی بورقانی به ترکیب قدرت مطبوعات در دوره اصلاحات پرداخت و گفت: «باید دید چگونه می‌توان دولت را بی‌طرف کرد، به فرهنگ کمک کرد، برای مشکلات صنفی راه‌حل گذاشت و همچنین راهی مناسب برای توزیع قاعده‌مند سوسید در نظر گرفت».

از مردم دور شدیم

سختران بعدی پنل دوم، محمد مهاجری بود که گفت: «من عنوان «نسبت مطبوعات و دولت» را به نسبت «مطبوعات و ملت» تغییر می‌دهم و بهتر است به جای ورود از موضع طلبکاری، از موضع همکاری وارد شویم». مهاجری در ادامه گفت: چند سؤال مطرح

آکادمی

نامه‌هایی برای تمام فصول-۴ اشتغال

زرنگی نیستیم که یک‌نفره کار چند نفر را انجام دهیم، چنین کیفیاتی نیازمند انسان‌های بیشتری است. در یک کلام باید گفت بهبود اشتغال در نظام سلامت در گرو افزایش کیفیت سلامت است. بهبود کیفیت مستلزم ترجیح کار جمعی بر کار فردی، کار منظم و ثبت‌شده بر کار بی‌الدها و کار نظارت‌شده بر کار بی‌نظارت است که همه و همه مستلزم افراد بیشتری است. بنابراین مراکز آموزشی باید در‌های خود را بر فارغ‌التحصیلان‌شان بکشایند و راهروهایشان را که بعد از ظهرها خاک می‌خورند، فعال کنند. با همین وضعیت فعلی هم بسیاری از فارغ‌التحصیلان ترجیح می‌دهند با همین تعرفه‌های موجود و با همین راهروهای نه‌چندان زیبا همچنان در مراکز آموزشی و پیرامون استادان‌شان مشغول باشند، چه برسد به اینکه با همت وزارت، امکان کار علمی و آموزشی در محیطی علمی‌تر، زیباتر و با درآمدی اطمینان‌بخش‌تر فراهم شود. مگر سال‌ها پیش و در ازمان درامد وزارت بهداشت با دانشکده‌های پزشکی، بخش‌های آموزشی ما در سودای نوعی طب ملی که همه پزشکان در استخدام دولت باشند، قربانی نشدند؟ حالا کار به جایی رسید که بهترین و برگزیده‌ترین متخصصان ما هم فقط تا زمان انجام طرح مورد نیازند؟ از آن به بعد باید خود گلیم‌شان را از آب درآورند؟ این هم مهم نیست که آن گلیم را از آب کشور خود در بیاورند یا از آب کشور کانادا؟ دانشکده‌ها با همان هیئت علمی ده‌ها سال پیش که ما آدم‌های عادی را می‌گرفتند، فقط دنبال آدم‌های استثنایی! می‌گردند؟ آدم استثنایی را باید ساخت یا یافت؟ اگر دانشگاه قرار نداشت انسان بسازد، پس به چه کار می‌آید؟ هزاران آدم استثنایی ایرانی در آن‌سوی مرزها هستند؛ همان‌هایی که جذب نظام‌های سلامت ما نشدند. اینکه آنها عادی بودند یا استثنایی و اینکه چه کسی این تقسیم‌بندی را باب کرد، اصلا مهم نیست. مهم آن است که اکنون نه استثنایی‌اند، نه معمولی؛ استادانی برجسته و دانشمند هستند که در محیطی مناسب رشد کردند. اگر روز روشن و شب تاب‌گرا است، هر کار تخصصی‌ای که کیفیت بالاتر مستلزم افراد بیشتری است و هر تکنولوژی جدیدی که هر روز وارد می‌شود، مستلزم اشتغال افراد بیشتر و متنوع‌تری است. تعداد دستیاران و به‌دزگی رشته‌های فلوشیپ بعد از طی مراحل تکاملی‌شان لای پرونده‌ها و کاغذها به‌سرعت افزایش می‌یابد اما

است؛ به همان اندازه که به حاکمیت منتقد هستیم به خدمات هم منتقد هستیم؟ ما همواره می‌گوییم چرا فلان امکانات برای روزنامه‌نگاران نیست اما چند نفر ما از درد مردم خبر دارند؟». از نظر او «دلیل اینکه مردم روزنامه نمی‌خوانند این است که از مردم دور شده‌ایم». نسرين تخیری، روزنامه‌نگار، به شخصیت حقیقی احمد بورقانی اشاره کرد و سپس درباره نسبت دولت و مطبوعات گفت: «بهترین نسبت در این مورد، بی‌نسبتی است! یعنی دولت در کار مطبوعات دخالتی نکند زیرا رسانه، ناظر و دولت مجری است. این نسبت باید درست شود و هرکس به وظیفه خود عمل کند. ما در حال حاضر از دولت نان می‌گیریم و امیدواریم که فرمان ندهد اما این اتفاق در عمل ممکن نیست و هرکس که نان دهد، فرمان نیز می‌دهد». در انتهای این مراسم کامبیز نوروزی، حقوق‌دان گفت: «مشکل ما قانون نیست بلکه اجرای آن است. در سال ۱۳۷۶ با همان قانون مطبوعاتی که در سال ۱۳۶۴ تصویب شده بود، جامعه مطبوعات به مرحله‌ای رسید که کسی برای دریافت تحلیل سراغ بی‌بی‌سی و رادیوهای دیگر نمی‌رفت اکنون اما وضعیت برعکس شده است». نوروزی همچنین در رابطه با نسبت دولت و مطبوعات نیز گفت: «دولت معمولاً مطبوعات را روابط عمومی خود دیده است. در این میان اما دولت اصلاحات یک استثنا بود و در همین دوره اصلاحات، دوره معاونت احمد بورقانی یک دوره درخشان است».

در انتهای این مراسم از دکتر علیرضا رجایی قدردانی شد که البته به دلیل حضور او در خارج از ایران برای انجام کارهای درمانی لوح تقدیر به برادر او دکتر غلامرضا رجایی اهدا شد. انجمن قرار است از این به بعد در چنین روزهایی از یک روزنامه‌نگار تقدیر کند.

بابک زمانی

رئیس انجمن سکتة مغزی

همگان متفق‌القول هستند که بخش مهمی از طبیبان در کشور ما بی‌کارند، در این میان نکاتی وجود دارد، مهم‌ترین نکته اینکه با وجود بی‌کاری بخش قابل توجهی از پزشکان، نسبت پزشک به جمعیت در کشور ما در حدود استانداردهای جهانی است. معنای این حرف این است که نظام سلامت در کشور ما نمی‌تواند پزشکیانی را که بر اساس معیارهای بین‌المللی برای تحقق کیفیت حیات مدرن، لازم هستند، جذب کند! پس موضوع اشتغال در واقع همان موضوع کیفیت سلامت است. نکته دیگر هم بی‌ارتباط با این موضوع نیست، کار پزشکی و سلامت ذاتاً چنین است که اشتغال در آن نمی‌تواند هدف غایی باشد. بسیاری از اشتغال‌ها در کار پزشکی می‌توانند کاذب یا حتی مضر باشند. داشتن یک فوق‌تخصص در شهری که اساسا بیماری‌های مربوط به آن فوق‌تخصص، وق‌فور لازم را ندارند، می‌تواند یک اشتغال کاذب یا حتی ممکن است مضر باشد؛ به‌ویژه اگر تعرفه لازم برای دین بیماران بسیار کم اما با دقت زیاد، از پیش اندیشیده نشده باشد.

در بسیاری از بخش‌های سلامت همه به نوعی با کار سطح پایین‌تر عادت کرده‌اند و به‌همین دلیل نیاز به افراد جدید به چشم نمی‌آید، در بسیاری از بیمارستان‌های آموزشی بسیاری از استانداردهای رایج در بخش خصوصی همین کشور هم رعایت نمی‌شود. دانشگاه‌های علوم پزشکی که قاعدتاً باید متولی سلامت و اشتغال در همه کشور یا حداقل حیطه مورد مسئولیت خود باشند، وظایف خود را تنها به گردش امور در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های خود محدود کرده‌اند. درباره اینکه پزشکان در همان شهر در مطب‌ها و کلینیک‌های خود چه می‌کنند، تنها نظارتی کمی و صوری بر مجوزها و دریافت‌ها اعمال می‌کنند.

تیری‌دردید اگر در همه بیمارستان‌های آموزشی و خصوصی، آخرین استانداردهای کار پزشکی رعایت شود، درخواستی یافت که استانداردهای بین‌المللی برای تعداد مورد نیاز طبیب و نسبت استاد و دستیار، از سر اتفاق و از آسمان نیامده‌ا و ما خیلی هم آدم‌های

پیشخوان

روزنامه‌نگاری آرمانی در رسانه

آخرین شماره «رسانه» فصلنامه علمی- ترویجی وسایل ارتباط جمعی منتشر شده است . در این فصلنامه تخصصی این‌بار به چند مسئله متبلا به این روزهای رسانه در ایران پرداخته شده است. فضای مجازی احیاگر روزنامه‌نگاری آرمانی برای تحقق جامعه مدنی در ایران که تحقیق مشترک محمدمهدی فرقانی و علیرضا نظری است، در کنار تحقیق طراحی الگوی مدیریت بحران در رسانه که علی باباخورشاهی انجام داده است. از مطالب خواندنی این نشریه است. جایگاه روزنامه‌نگاری محلی از نگاه کارشناسان و متخصصان این حوزه بررسی شده است و غلامحسین بیابانی و بهنام ذوقی در تحلیلی به نقش رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای ترویج شفافیت و مقابله با فساد سیاسی و مالی پرداخته‌اند. کاربرد و تکنیک‌های وی‌پدیا در ارتباطات و بازی وارسازی فناوری نوین افق‌ان مخاطب دو مقاله تحقیقی دیگر منتشرشده در این فصلنامه هستند. مدیرمسئول این نشریه کیتا علی‌آبادی و سردبیر آن معاون مطبوعاتی سابق، محمدسلطانی‌فر است.



اتفاق

کشف ۵۰ مومیایی چند هزارساله در مصر

یورونیوز: به گزارش ایسنا، وزارت آثار تاریخی کشور مصر اعلام کرد باستان‌شناسان این کشور دست به کشف بزرگی زده و در شهر «منیا» در جنوب قاهره مقبره‌ای پیدا کرده‌اند که محل نگهداری ۵۰ مومیایی باستانی است. این مومیایی‌ها که ۱۲ عدد آنها کودک هستند، درون اتاقکی در عمق ۹ متری محوطه باستان‌شناسی «تونه الجبل» یافت شده‌اند و بر اساس اعلام مصطفی وزیری، دبیرکل شورای عالی آثار تاریخی مصر، هویت این مومیایی‌ها هنوز مشخص نیست و هنوز نام آنها به خط هیروگلیف پیدا نشده. اما روش مومیایی شدن این افراد حاکی از آن است که آنها دارای اهمیت و جایگاه اجتماعی مهمی بوده‌اند. در مراسم اعلام این کشف در محوطه باستانی در جنوب قاهره، سفیران چندین کشور خارجی نیز حضور یافتند و از نزدیک شاهد اجساد مومیایی کشف‌شده بودند. برخی از این مومیایی‌ها در پارچه کتان پیچیده شده بودند و برخی دیگر نیز در تابوت‌های چوبی و سنگی قرار داشتند. این یکی از اولین کشف‌های مهم باستان‌شناسی در سال ۲۰۱۹ میلادی محسوب می‌شود.